

شورشیان آرمانخواه

ناکامی چپ در ایران

مازیار بهروز

ترجمه مهدی پرتوی



فهرست

- ۷ پیشگفتار مؤلف بر چاپ فارسی
- ۹ یادداشت مترجم
- ۱۹ پیشگفتار
- ۲۳ سپاسگزاری
- ۲۵ مقدمه
- ۳۳ ۱. شکست و احیا: شکست بزرگ چپ (۴۹-۱۳۳۲)
- ۳۶ حزب توده در دهه ۱۳۳۰
- ۵۵ حزب توده و جناح‌گرایی
- ۶۳ حزب توده و اتحاد شوروی
- ۶۸ فرقه دموکرات آذربایجان: دومین تشکیلات کمونیستی
- ۷۶ نیروی سوم: خلیل ملکی و چپ‌گرایان مستقل
- ۸۰ گذار و احیا (۴۹-۱۳۳۹)
- ۸۶ حزب توده در یک دهه گذار
- ۹۳ هسته‌های مارکسیستی: حرکت به سوی قهر
- ۱۰۱ ۲. تهاجم و بن‌بست (۵۷-۱۳۴۹): قهر و سرکوب
- ۱۰۶ چریک‌های فدایی
- ۱۳۲ مجاهدین (مارکسیست - لنینیست): تولد پیکار
- ۱۳۷ حزب توده و گروه‌های انشعابی کمونیست
- ۱۶۲ هسته‌های مارکسیستی در خارج
- ۱۶۹ ۳. انقلاب: رقص مرگ (۶۲-۱۳۵۷)
- ۱۶۹ انقلاب
- ۱۸۳ فداییان و انقلاب

۲۰۶	پیکار و انقلاب
۲۱۰	حزب توده و انقلاب
۲۲۱	گروه‌های کُرد و انقلاب
۲۲۴	مارکسیست‌های حاشیه‌ای و انقلاب
۲۲۹	۴. چرا ناکامی؟
۲۳۰	کمونیست‌ها و عوامل عمومی ناکامی
۲۴۲	کمونیست‌ها و عوامل خاص ناکامی
۲۴۶	کمونیست‌ها و عوامل ساختاری ناکامی
۲۸۳	پیوست: گاه‌شمار رویدادها (۱۳۲۰-۶۲)
۳۰۵	یادداشت‌های متن
۳۴۷	کتاب‌شناسی
۳۶۳	نمایه

پیشگفتار مؤلف بر چاپ فارسی

بسیار جای خوشوقتی است که کمی بیش از یک سال پس از چاپ اول این کتاب ترجمه فارسی آن در اختیار خوانندگان فارسی زبان، به خصوص هموطنان عزیز، قرار می‌گیرد. قرن بیست و یکم از هم اکنون قرنی پیچیده و پُرچالش می‌نماید. رویارویی و درک این پیچیدگی میسر نخواهد بود مگر با دارا بودن درکی عینی، تحلیلی و واقع‌بینانه از گذشته. این کتاب کوششی است در راستای ترسیم بخشی از تاریخ ایران در قرنی که گذشت. تاریخ و عملکرد جنبش چپ در ایران بخش مهمی از تاریخ قرن بیستم کشورمان بود. بدون شک، شناخت عینی و علمی از این بخش از گذشته ایران در شناخت ما از تاریخ ایران در قرنی که گذشت تأثیر مهمی خواهد داشت.

باید توجه داشت که نتیجه کار هر پژوهشگری (در هر زمینه پژوهشی) به معنی زده شدن حرف آخر نیست. نتیجه کار پژوهشگر باید مورد نقد و بررسی صاحب‌نظران قرار گیرد تا بتوان گذشته تاریخی مورد نظر را هرچه دقیق‌تر بازسازی نمود، در این چهارچوب، پژوهشی که پیش روی دارید بی‌شک کاستی‌هایی دارد که در طول زمان و با نقد صاحب‌نظران روشن خواهد شد و در روند خود به پژوهش‌های آینده کمک خواهد کرد. به امید آن روز.

با تشکر از مترجم محترم و این‌که ایشان رسم امانت‌داری را در ترجمه بادقت به جای آورده‌اند، تذکر چند نکته در رابطه با مقدمه ایشان را لازم

فهرست تصاویر

۱. بیژن جزنی (۵۴-۱۳۱۶): نظریه‌پرداز بزرگ مارکسیست و بنیانگذار فداییان، در زندان به قتل رسید.
۲. حمید اشرف (۵۵-۱۳۲۵): بنیانگذار فداییان و سازمانده اصلی فعالیت فداییان در دهه ۱۳۵۰، در درگیری با پلیس کشته شد.
۳. مسعود احمدزاده هِزوی (۵۱-۱۳۲۶): بنیانگذار و نظریه‌پرداز فداییان، اعدام شد.
۴. امیر پرویز پویان (۵۰-۱۳۲۶): بنیانگذار و نظریه‌پرداز فداییان، در درگیری با پلیس کشته شد.
۵. خسرو روزبه (۱۳۳۷-۱۲۹۴): عضو رهبری سازمان نظامی و اطلاعات حزب توده، اعدام شد.
۶. مصطفی شعاعیان (۵۴-۱۳۱۵): نظریه‌پرداز و چریک مستقل مارکسیست، در درگیری با پلیس کشته شد.
۷. نورالدین کیانوری (۱۳۷۸-۱۲۹۴): عضو رهبری حزب توده و دبیر اول سابق آن (۶۲-۱۳۵۷).
۸. تابلوی «سیاهکل» اثر بیژن جزنی.

بازیگران فرعی نیز به اختصار ذکری به میان آمده، اما به خاطر محدودیت جا تحلیل عمیقی در مورد آن‌ها صورت نگرفته است.

منابع به کار رفته در این پژوهش به سه دسته تقسیم می‌شوند: دسته اول تحلیل‌ها و نشریاتی است که خود بازیگران اصلی فراهم آورده‌اند. این دسته، که عمدتاً به زبان فارسی است، شامل اسناد، تاریخ سازمان‌های گوناگون کمونیستی، روزنامه‌ها و نشریات، و مصاحبه با افراد فعال می‌شود. دسته دوم اطلاعات و اسنادی است که مخالفان جنبش تهیه کرده‌اند. دسته سوم، منابع دست دوم، شامل کتاب‌هایی در باره تاریخ معاصر ایران و تاریخ کمونیسم است که دیگر پژوهشگران نوشته‌اند.

شکست و احیا: شکست بزرگ چپ

(۴۹-۱۳۳۲)

من زمانی دستگیر شدم که دیگر هیچ راز مکتومی وجود نداشت. بهرامی‌ها، فریسی‌ها ... از سیر تا پیاز را گفته بودند ... حجم اطلاعات دستگاه به راستی ده برابر مجموعه اطلاعات من بود.

از آخرین دفاع خسرو روزبه، عضو حزب توده،
در دادگاه نظامی (۱۳۳۷)

۲۸ مرداد ۱۳۳۲ در تاریخ ایران روز سرنوشت‌سازی است. در این روز بود که جبهه متحد دربار سلطنتی و متحدانش، سیا و ام‌آی - ۶، موفق شدند دولت دکتر محمد مصدق را واژگون کنند، روال‌های قانون اساسی ایران را زیر پا بگذارند و شرایطی را بر کشور تحمیل کنند که مخالفان آن را دیکتاتوری شاه می‌نامیدند، اما حکومت محمدرضا شاه پهلوی مایل بود آن را نظام شاهنشاهی بنامد.^۱ از ۱۳۳۲ تا دوره ۴۲-۱۳۳۹ (که شاه ناگزیر شد سرکوب مخالفان را کاهش دهد و برخی فعالیت‌های سیاسی را مجاز شمارد)، سران کودتا عمدتاً درگیر تحکیم قدرت و سرکوب مخالفان بودند. این فرایند در سال ۱۳۳۶ با تأسیس پلیس مخفی شاه، ساواک (سازمان اطلاعات و امنیت کشور)، باکمک سیا و موساد اسرائیل، به اوج خود رسید.^۲ از لحاظ بین‌المللی، منازعه با

انگلستان بر سر نفت در مرداد ۱۳۳۳* فرونشست، و با وجود این که شرکت ملی شده نفت انگلیس و ایران در اختیار ایران باقی ماند، ایران در این میان متضرر شد. در حالی که نفت ایران ظاهراً ملی شده بود، این کشور ۵۰ درصد سود را دریافت می‌کرد و توزیع نفت را در داخل در اختیار داشت، اما در مورد سایر اموری که در خاکش جریان می‌یافت اختیاری نداشت.^۳ فروش بین‌المللی نفت در اختیار کنسرسیومی قرار گرفت که در آن انگلستان ۴۰ درصد، شرکت‌های آمریکایی ۴۰ درصد، و شرکت‌های هلندی و فرانسوی بقیه سهام را در اختیار داشتند. این نشانه افزایش نفوذ آمریکا در ایران به زیان انگلستان بود.^۴ با شدت یافتن جنگ سرد، ایران با پوستن رسمی به پیمان بغداد در سال ۱۳۳۴، که بعداً سنتو نام گرفت، به اردوگاه غرب گرایید. در نتیجه این رویداد و نیز امضای یک قرارداد دوجانبه با ایالات متحده در ۱۳۳۸ که ایران را در صورت تجاوز مورد حمایت نظامی قرار می‌داد، مناسبات ایران با اتحاد شوروی، همسایه قدرتمند شمالی‌اش، رو به وخامت گذاشت. شوروی‌ها نتوانستند شاه را وادار سازند که در رقابت میان شرق و غرب بی‌طرفی پیشه کند. از سال ۱۳۳۸ تا سالی که شاه برنامه اصلاحاتش را عملی کرد (۱۳۴۱)، مناسبات ایران و شوروی خصمانه باقی ماند. رسانه‌های شوروی با تبلیغات منفی به مباران رژیم شاه پرداختند.

بجز موارد بالا، تغییرات دیگری در کشور به وقوع نپیوست. ایران اساساً جامعه‌ای عقب‌مانده و پیش - صنعتی باقی ماند. اکثریت جمعیت کشور در مناطق روستایی با بی‌سوادی و نادانی زندگی می‌کردند. حکومت شاه بیش‌تر در پی گرفتن کمک نظامی از غرب، به ویژه ایالات متحده، بود تا پرداختن به هرگونه اصلاحات. قرارداد جدید با کنسرسیوم بین‌المللی نفت، به اضافه کمک یک میلیارد دلاری اقتصادی و نظامی آمریکا در دهه ۱۳۳۰، پول زیادی

* قرارداد تشکیل کنسرسیوم نفت در ۲۹ مهر ۱۳۳۳ در مجلس شورای ملی به تصویب رسید. - م.

را در اختیار حکومت قرار داد. اما فقدان یک راهبرد هدفمند برای اصلاح، و فساد گسترده باعث شد هیچ بهبود درازمدتی حاصل نشود. با توجه به دورنمای وحشتناک اقتصادی، راه کارهای سیاسی شاه تنها اوضاع تیره و نگران‌کننده اجتماعی را بدتر می‌کرد. سرکوب تمام احزاب سیاسی مستقل، تقلب و دستکاری در انتخابات مجلس، و کابینه‌های بی‌کفایت در دهه ۱۳۳۰ مشخصه روز بود. انتخابات مجلس نشان می‌داد که پایگاه اصلی قدرت شاه، یعنی کسانی که در کودتای ۱۳۳۲ از او حمایت کردند، همچنان طبقه زمین‌دار و بخش بزرگی از بورژوازی تجاری، که از گسترش تجارت با غرب سود می‌برد، باقی مانده است. آمیزه‌ای از عوامل فوق، ناتوانی زیرساخت روستایی و پیش - صنعتی را در فائق آمدن بر مشکلات جدید اجتماعی - اقتصادی تشدید کرد و به پیدایش ناآرامی‌های سیاسی و اجتماعی در اوایل دهه ۱۳۴۰ انجامید. در نتیجه، تعداد اعتصاب‌های بزرگ از تنها سه مورد در سال‌های ۱۳۳۴ تا ۱۳۳۶ به بیش از بیست مورد در سال‌های ۱۳۳۶ تا ۱۳۴۰ افزایش یافت.^۵ از این رو، هفت سال پس از کودتا، هنگامی که رژیم شاه هم از پشتیبانی بین‌المللی و هم از پشتگرمی داخلی برخوردار بود، با یک بحران بزرگ اجتماعی مواجه شد. شاید تنها تفاوتی که این زمان با دوره پیش از کودتای ۱۳۳۲ داشت، این بود که مخالفان کمونیست و ملی‌گرای شاه چنان سرکوب شده بودند که هیچ سازمانی در گستره ملی وجود نداشت که بتواند از این اوضاع سیاسی بهره‌برداری کند.

این واقعیت که آزاکس (نامی که سیا برای کودتای ۱۳۳۲ برگزیده بود) با کم‌ترین هزینه و مقاومت نه چندانی پیروز شد، ثابت می‌کند که نیروهای وفادار به دولت قانونی قادر نبودند مقاومت چندانی از خود نشان دهند. کمونیست‌های ایران چشمگیرترین و سازمان‌یافته‌ترین نیروهای مخالف کودتا بودند.^۶ مقاومت ناچیز کمونیست‌ها و این واقعیت که کودتا منجر به نابودی شبکه‌های کمونیستی در سراسر ایران و از دست رفتن جان عده